

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

شمی صلواتی
۱۹ می ۲۰۱۹



هر چند به استراحت بیشتری احتیاج دارم اما حالم نسبت به چند روز گذشته که توان نوشتن و حرف زدن نداشتم بهتر شده و خطر کاملاً رفع شده است !
با قدر دانی از محبت های دوستان گشاده رو این سروده را تقدیم دلهای آراسته به عشق و محبت تقدیم می کنم:

سرود قدرانی !

اوج زیبایی دل - و
نشستن در زیر درخت گردو
برابر تابش نور خورشید
که زندگی ست !
چمن سبز و -درختان با نشاط
مرا به یاد شبی پر از درد و -
معنای دوستی می اندازد !

تعمق من !
از رفاقت
هم ره چشمان تیزم !
باآئینه ای از جلوه های عواطف انسانی ؛

رخت صحت و؛
همگام با سعادت !
که تعریفی از زندگی ست !
مرا غرق زیباییهای درونی
که گاه با چشم سر دیده نمی شود
تا قلبم را به امید صبح فردا پیوند دهد .

چه قشنگ ولذت بخش است
وقتی که دوستان دور و نزدیک
دلنتگ - ت می شوند
به خصوص وقتی که برایت قابل تصور باشد
که به قلبشان راه یافتی

از یاران دور - در دنیای مجازی چه پنهان !
بگذار اعتراف کنم
که من عزیزانی دارم
به نرمی و لطافت پر گل
برابر با زلالی آب دریا
پاک چون قلب پرنده
که پاکترین قلب
"از جنس دوپاست" !

مثل درخت گردو !
که در عمق خاک - ریشه را
برای صلابت و ایستادگی می دواند
یا همچون رؤیاهای من !
گسترده و -وسعت یافته در ذهنم
که در صلابت غرور خود نمائی می کند !

عزیزانی که !
من را عاشقانه بغل کردن
ادای- احترام کردند و در کنار خود نشاندهند
این چنین شاد و -شادمانم کردند

زیباترین واژه همدردی
که هنگام عیادت
آرزوهایشان برای سلامتی (من)
در اوج احساساتشان پیدا بود
لحظه های زیبائی از زندگی !
که نباید غافل از آن
دچار بدمستی یا بدگمانی شد

یکی از جلوه های این زیبائی ها !
برای من !
دل واپسی آن استاد فریخته و قدیمی !
که همچون برادر تتی
در اوج خستگی
نگران سلامتی من بود
که شتابان آمد !
باید قدرشناس آن لحظه هابود
آن لحظه های زیبا،
[که زیباترین زیباییهاست !

از دوستانی باید نوشت
کنار بستر رختخواب شفاخانه
در دل واپسی لحظه شوم؛
مثل دریا و باد آشفته بودند
در نهایت صبوری
سلامتیم را آرزو می کردند
این لحظه- ها؛ قابل ستایش است !
ستودنی- و من قدر شناسم !

عزیزانی در لحظه های درد
آنانی که در خانه ات را می زنند
تا با تو چای تلخی را نوش جان کنند
ارمغانشان در اوج صداقت " عشق "
به این امید سلامتی جسمی تو را جویا شوند
بهترین بهترینند !

از من سخت نگیرید اگر !
کنترل زبان در اختیارم نیست و اعتراف می کنم
که رحم و لطافت برای فتح عدالت
در نبرد با نابرابریها ضرورت احیای جامعه انسانی است
با لحظه های پر از لبخند و عشق
که زیبایی خاص زندگی ست !
باید برخیزید !

همسرم بعد از رفتن عزیزان
در خلوت خود همی می گفت
ما چقدر خوشبختیم با وجود این همه دوست
"تو بنویس قصه پر درد تنهائی را؛
با چه بلا دست به گریبان است .
آن کس !
در اوج دلتنگی به دور از دوست !"
شمی صلواتی ۱۷ می ۲۰۱۹